

نخستین کسی که برای امام حسین علیه السلام گریه کرد ، چه کسی بود ؟

سؤال کننده : امینی

توضیح سؤال :

طبق آنچه که در کتب شیعی آمده اولین کسی که برای امام حسین (ع) اقامه عزا کرد آدم (ع) بوده است . نظر علمای اهل تسنن در این زمینه چه میباشد ؟ آیا آنان نیز این روایت را قبول دارند ؟ آیا در کتب ایشان روایت هایی در رابطه با اولین کسی که بر سید الشهدا (ع) اشک ریخته وجود دارد (قبل از به شهادت رسیدن آن حضرت) ؟؟

جواب :

در کتب اهل سنت مواردی از ذکر یاد ابی عبد الله علیه السلام حتی قبل از تولد ایشان و قبل از زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده است :

ذکر شهادت حضرت سید سال قبل از بعثت

2874 حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي ثنا محمد بن غورك ثنا أبو سعيد التغلبي عن يحيي بن يمان عن إمام لبني سليم عن أشياخ له غزوا الروم فنزلوا في كنيسة من كنائسهم فقرأوا في حجر مكتوب:

أيرجوا معشر قتلوا حسينا شفاعة جده يوم الحساب

فسألناهم منذ كم بنيت هذه الكنيسة قالوا قبل أن يبعث نبيكم بثلاث مائة سنة قال أبو جعفر الحضرمي وثنا جندل بن والقي عن محمد بن غورك ثم سمعته من محمد بن غورك

المعجم الكبير الطبراني ج3/ص124

با روم می جنگیدیم پس به یکی از کلیساهای ایشان وارد شدیم . پس در آن سنگی بود که روی آن نوشته شده بود :

آیا امتی که حسین را می کشند شفاعت جد او را در روز قیامت امید دارند؟

وروینا أن صخرة وجدت قبل مبعث النبي صلي الله عليه وسلم بثلاث مائة سنة وعليها مكتوب باليونانية

أيرجو معشر قتلوا حسينا

التبصرة ابن جوزي ج2/ص17

به ما خبر داده شد که صخره ای در بیت المقدس سید سال قبل از بعثت رسول خدا پیدا شده است که بر روی آن با زبان سریانی نوشته شده بوده است :

آیا امتی که حسین را می کشند ...

شبهه این دو روایت در کتب ذیل آمده است :

تهذيب الكمال ج6/ص442 بغية الطلب في تاريخ حلب ج6/ص2653 صبح الأعشي في صناعة الإنشا ج13/ص234 الخصائص الكبرى سيوطي ج1/ص63 و...

طبق اقرار برخي علمای اهل سنت حاکم نیشابوری هم شبیه این روایت را (در مورد وجود نوشته ای با این اشعار) با اضافه ای در کتاب امالی خویش آورده است اما متأسفانه اکنون این روایت در کتاب وی یافت نمی شود و آن اضافه این است که علاوه بر بیت مذکور در آن نوشته نام ابراهیم خلیل الله (ظاهراً به عنوان نویسنده) موجود بوده است .

حدیث انس أن رجلاً من أهل نجران احتفر حفيرة فوجد فيها لوحاً من ذهب فيه مكتوب :

اترجو أمة قتلت حسيناً شفاعة جده يوم الحساب

وكتب ابراهيم خليل الله فجاءوا باللوح إلي رسول الله فقراه ثم بكى وقال من آذاني وعترتي لم تنله شفاعتي حا في أماليه

تنزيه الشريعة علي بن محمد بن علي بن عراق الكناني ج 1/ص 409

روایت انس که شخصی از اهل نجران گودالی می کند پس در آن لوحی از طلا پیدا کرد که در آن نوشته بود آیا امتی که و نوشته بود ابراهیم خلیل الله پس این لوح را به نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آوردند . پس آن را خواند و گریه نمود . سپس فرمود هرکس که من را اذیت کند و خانواده ام را شفاعت من به وی نخواهد رسید - حاکم در کتاب امالی -

روایات اهل سنت در مورد اشک ریختن بر ابي عبد الله عليه السلام

اما آنچه که در کتب اهل سنت در مورد اشک ریختن برای امام حسین علیه السلام موجود است در مورد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بوده است :

ما در اینجا تنها عبارت ذهبی را که در بین اهل سنت به تعصب معروف است نقل می نماییم و قسمت های مهم را ترجمه می کنیم:
وقال الإمام أحمد في مسنده ثنا محمد بن عبيد ثنا شرحبيل بن مدرک عن عبد الله بن نجی عن أبيه أنه سار مع علي وكان صاحب مطهرته فلما حاذي نينوي وهو سائر إلي صفين فنادي اصبر أبا عبد الله بشط الفرات قلت وما ذاك قال دخلت علي النبي صلي الله عليه وسلم وعيناه تفيضان فقال قام من عندي جبريل فحدثني أن الحسين يقتل بشط الفرات وقال هل لك أن أشمك من تربته قلت نعم فقبض قبضة من تراب فأعطانيها فلم أملك عيني أن فاضتاً وروي نحوه ابن سعد عن المدائني عن يحيي بن زكريا عن رجل عن الشعبي أن علياً قال وهو بشط الفرات صبراً أبا عبد الله وذكر الحديث

وقال عمارة بن زاذان ثنا ثابت عن أنس قال استأذن ملك القطر علي النبي صلي الله عليه وسلم في يوم أم سلمة فقال يا أم سلمة احفظي علينا الباب لا يدخل علينا أحد فبينما هي علي الباب إذ جاء الحسين فاقتحم الباب ودخل فجعل يتوثب علي ظهر النبي صلي الله عليه وسلم فجعل النبي صلي الله عليه وسلم يلثمه فقال الملك أتجبه قال نعم قال فإن أمتك ستقتله إن شئت أريتك المكان الذي يقتل فيه قال نعم فجاءه بسهولة أو تراب أحمر قال ثابت فكنا نقول إنها كربلاء

عمارة صالح الحديث رواه الناس عن شيبان عنه

وقال علي بن الحسين بن واقد حدثني أبي ثنا أبو غالب عن أبي أمامة قال قال رسول الله صلي الله عليه وسلم لنسائه لا تبكوا هذا الصبي يعني حسيناً فكان يوم أم سلمة فنزل جبريل فقال رسول الله صلي الله عليه وسلم لأم سلمة لا تدعي أحداً يدخل فجاء حسين فبكي فخلته أم سلمة يدخل فدخل حتي جلس في حجر رسول الله صلي الله عليه وسلم فقال جبريل إن أمتك ستقتله قال يقتلونه وهم مؤمنون قال نعم وأراه تربته رواه الطبراني

وقال إبراهيم بن طهمان عن عباد بن إسحاق وقال خالد بن مخلد واللفظ له ثنا موسى بن يعقوب الزمعي كلاهما عن هاشم بن هاشم الزهري عن عبد الله بن زمعة قال أخبرني أم سلمة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم اضطجع ذات يوم فاستيقظ وهو خائر ثم اضطجع ثم استيقظ وهو خائر دون المرة الأولى ثم رقد ثم استيقظ وفي يده تربة حمراء وهو يقبلها فقلت ما هذه التربة قال أخبرني جبريل أن الحسين يقتل بأرض العراق وهذه تربتها

وقال وكيع ثنا عبد الله بن سعيد عن أبيه عن عائشة أو أم سلمة شك عبد الله أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لها دخل علي البيت ملك لم يدخل علي قبلها فقال لي إن ابنك هذا حسيناً مقتول وإن شئت أريتك من تربة الأرض التي يقتل بها رواه عبد الرزاق عن عبد الله بن سعيد بن أبي هند مثله إلا أنه قال أم سلمة ولم يشك

وإسناده صحيح رواه أحمد والناس

وروي عن شهر بن حوشب وأبي وائل كلاهما عن أم سلمة نحوه

تاريخ الإسلام ذهبي ج5/ص102

احمد بن حنبل در مسندش گفته است که ... همراه علي مي رفت و ظرف آب حضرت را همراه داشت . پس وقتي به نينوا رسيد - در حالیکه به صفين مي رفت - پس صدا زد که اي ابا عبد الله در شط فرات صبر کن . گفتم اين چه معني دارد ؟ فرمودند : به نزد رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم رفتم و حال آنکه دو چشم ايشان (مانند چشمه) مي جوشيد . پس به من فرمودند که جبريل در کنار من ايستاد وگفت که حسين در کنار شط فرات کشته مي شود . وگفت آيا مي خواهي که بوي تربت وي را احساس کنی ؟ گفتم آري ، پس کفي از خاک وي را گرفته به من داد ، پس نتوانستم که جلوي اشک چشم خود را بگيرم ...

... از انس نقل شده است که فرشته باران در روز ام سلمه (روزي که رسول خدا در خانه وي بودند) از رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم اجازه حضور گرفت . پس حضرت فرمودند که اي ام سلمه ، مراقب در باش که کسي بر ما وارد نشود . در اين هنگام حسين عليه السلام آمد پس با اصرار وارد اتاق شد و بر پشت رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم پريد . و رسول خدا او را بوسيدند ؛ پس فرشته باران گفت: آيا او را دوست مي داريد؟ حضرت فرمودند : آري ، گفت : بدرستيکه امت تو او را بعد از تو مي کشند . اگر بخواهيد مکان شهادت وي را به شما نشان خواهم داد . پس حضرت قبول فرمودند . پس وي حضرت را در کنار تپه اي يا خاک سرخي آورد .

ثابت گفت : ما آن را کربلا مي گفتم . روايتهاي عماره روايات خوبی است .

... رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم به همسرانشان فرمودند اين کودک - حسين - را به گريه نيندازيد . پس نوبت ام سلمه شده بود که جبريل نازل شد پس حضرت به ام سلمه فرمودند که نگذار کسي وارد اتاق شود . پس حسين آمد و شروع به گريه کرد . پس ام سلمه اجازه داد که ايشان وارد شود . پس وارد شده بر دامان رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم نشست . پس جبريل گفت که ام تو او را خواهند کشت . حضرت پرسيدند او را مي کشند و حال آنکه مومند!!! (ادعای ایمان دارند؟) گفت آري و تربتش را به حضرت نشان داد .

... ام سلمه به من خبر داد که رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم روزي خوابيده بودند ، پس در حالت ناراحتي بيدار شدند ، سپس دوباره استراحت فرموده و دوباره بيدار شدند و حال آنکه گرفتگي ايشان کمتر بود . دوباره خوابيدند و بيدار شدند و در

دستشان خاک سرخي بود که آن را مي بوسيدند . سوال کردم که اين خاک چيست؟ فرمودند جبريل به من خبر داد که حسين در عراق کشته خواهد شد و اين تربت وي است ...
رسول خدا به وي فرمودند که فرشته اي به نزد من آمد که تا کنون نيامده بود . پس گفتم که فرزندت حسين کشته خواهد شد و اگر بجواهي خاک زميني را که در آن کشته مي شود به تو نشان دهم سندش صحيح است احمد و عده اي آن را نقل کرده اند .

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقيقاتی حضرت ولی عصر (عج)